

هو المشرق □ ن أفق سماء البي □

عريضه ات رسيد هنگاميکه مالک انام در قصریکه در آن سجن اعظم واقعت مشی
مینمود، ندایت را شنیدیم و عرف محبت را یافتیم، بمناجات مظلوم حق جلّ جلاله را
ذکر نمودی طوبی لسانک بما نطق بالحق ولقلبك بما أقبل إلى المظلوم، قسم بافتاب
حقیقت یک عمل امروز مقابلست باعمال اعصار و قرون بلکه معادله نمی نماید بآن
اعمال ارض، طوبی از برای چشمیکه امروز بکحل معارف الهی روشن شد و از
برای قلبیکه قصص اولی را بعنایت حق محو نمود و بکلمه اننی عبد الله مزین داشت،
از حق میطلبیم اولیای آن ارض و اطرافرا مؤید فرماید بر خدمت امر، عالمرا آیات
احاطه نموده و بینات در عرصه وجود مشهود نعیماً لمن أقبل وفاز وویل للغافلین، از
حق میطلبیم ترا تایید فرماید و از کوثر استقامت در هر حین عطا نماید، اوست
سلطان کریم و مالک وجود لا إله إلا هو الفرد الواحد المقتدر العزیز الودود.